فصلنامه علمي اقتصاد و بانكداري اسلامي، شماره ..... ، فصل سال - صفحات -

پذیرش شرط ضمان و شرط ربح در مضاربه؛ این‌همانی با ربا و فروپاشی مرز حلال و حرام

نوع مقاله: پژوهشی

حسن نژادشیر[1]

تاریخ دریافت: تاریخ پذیرش:

چکیده

مضاربه بر توزیع ریسک میان مالک و عامل استوار است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی می‌پرسد: اگر دو شرط «ضمان» (تضمین اصل سرمایه) و «ربح» (تضمین سود معین) توأمان در مضاربه پذیرفته شوند، آیا از حیث ملاک حرمت ربا تفاوتی میان این مضاربه و ربای قرضی باقی می‌ماند؟ برای پاسخ، نخست جواز استناد به علل احکام بر پایه دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی تبیین شده و سپس سه علت حرمت ربا (اکل مال به باطل، ظلم و بازدارندگی از فعالیت مولد) از روایت محمد بن سنان از امام رضا (ع) و روایت هشام بن حکم از امام صادق (ع) استخراج و در قالب مدلی سه‌مؤلفه‌ای بر مسئله تطبیق شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ترکیب دو شرط، ساختار تخصیص ریسک را چنان تغییر می‌دهد که هر سه علت در آن جمع می‌شود. اشکال‌هایی مانند «جریان یافتن سرمایه در تجارت»، «ندرت زیان» و «وجود بیمه» نیز این نتیجه را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا ملاک، تخصیص ساختاری ریسک در قرارداد است، نه فراوانی وقوع زیان. تفکیک حکم دو شرط نیز فاقد وجاهت فقهی است.

کلیدواژه‌ها: شرط ضمان، شرط ربح، مضاربه، ربا، اکل مال به باطل، اسلامی‌سازی صوری ربا
طبقه‌بندی JEL: K۱۲, G۲۱, Z۱۲

۱ سطح ٤ حوزوی، پژوهشگر پژوهشکده باقرالعلوم، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و استاد دانشگاه
dnezhadshir@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

مقدمه

عقد مضاربه بر اصل «توزیع ریسک» بنا شده است: مالک و عامل در سود شریک‌اند، زیان سرمایه بر عهده مالک است و عامل تنها زحمت خود را از دست می‌دهد. همین اصل مضاربه را از ربای قرضی که در آن اصل و سود هر دو برای قرض‌دهنده تضمین شده است، متمایز می‌کند (محقق حلّی، ۱۴۰۸ ق.: ج ۲، ص ۱۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق.: ج ۴، ص ۳۴۸). مسئله آن است که اگر در ضمن مضاربه دو شرط آورده شود، این تمایز چه می‌شود: «شرط ضمان» که به موجب آن عامل در هر حال اصل سرمایه را به مالک بازمی‌گرداند، و «شرط ربح» که به موجب آن عامل فارغ از نتیجه تجارت، مبلغ یا درصد معینی را به عنوان سود به مالک می‌پردازد.

ضرورت پرداختن به این مسئله از آنجاست که ترکیب این دو شرط، راهی برای «اسلامی‌سازی صوری ربا» است؛ یعنی تغییر ظاهر و قالب معامله ربوی با الفاظ و عقود شرعی، بدون تغییر در جوهر و نتیجه آن. در چنین قراردادی مالک بدون کار و ریسک، هم اصل و هم سود ثابت را دریافت می‌کند و همه ریسک‌های تجارت بر دوش عامل می‌افتد. اگر ملاک حرمت ربا در نتیجه اقتصادی معامله باشد، نه در لفظ «قرض»، چنین قراردادی مشمول همان حرمت است و پذیرش آن، مرز حلال و حرام را مخدوش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۵).

پرسش اصلی مقاله این است که با پذیرش توأمان شرط ضمان و شرط ربح در مضاربه، آیا از حیث ملاک‌های حرمت ربا تفاوت جوهری میان آن و ربای قرضی باقی می‌ماند؟ دو پرسش مکمل نیز مطرح است: آیا استناد به علل احکام برای کشف حکم مسائل مستحدثه جایز است؟ و آیا می‌توان یکی از دو شرط را پذیرفت و دیگری را رد کرد؟ فرضیه مقاله آن است که بر پایه علل سه‌گانه‌ای که در روایات آمده، ترکیب دو شرط همه مقومات و آثار ربای قرضی را دارد و تفکیک میان دو شرط موجه نیست.

در سنت فقهی، بحث از شروط باطل در مضاربه و به‌ویژه شرط ضمان سابقه‌ای طولانی دارد. محقق حلّی (۱۴۰۸ ق.: ج ۲، ص ۱۴۰)، علامه حلّی (۱۴۱۴ ق.: ج ۲، ص ۲۳۱) و شهید ثانی (۱۴۱۳ ق.: ج ۴، ص ۳۴۸) به بطلان شرط ضمان رأی داده‌اند و در شرط ربح نیز قول غالب بطلان است (خویی، ۱۴۱۸ ق.: ج ۳۱، ص ۲۱۵؛ لنکرانی، ۱۴۲۵ ق.: ص ۱۸۶). در مجموع، آرا در سه دسته قرار می‌گیرد: بطلان هر دو شرط که دیدگاه اکثریت فقهای امامیه و مستند به روایات خاص باب مضاربه و قاعده «المؤمنون عند شروطهم» (در فرض مخالفت شرط با کتاب و سنت) است؛ صحت شرط ضمان به صورت شرط فعل بر پایه لزوم وفای به شرط؛ و تفکیک میان شرط نتیجه (باطل) و شرط فعل (صحیح). دسته دوم و سوم با این نقد روبه‌رو است که در عمل و نتیجه اقتصادی، سرمایه را تضمین می‌کنند و مقتضای ذات مضاربه را نقض می‌کنند. تمرکز این آثار عمدتاً بر حکم وضعی (بطلان) هر شرط به‌طور جداگانه بوده است. در پژوهش‌های معاصر نیز تضمین سرمایه بیشتر در بستر بانکداری اسلامی بحث شده (حسینی، ۱۳۹۹) و فلسفه حرمت ربا و مذمت تضمین سود ذیل مباحث بانکداری بدون ربا مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله شهید صدر (۱۳۸۵: ۵۷۱) بر ظالمانه بودن بهره، و مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۴-۳۷) بر علل تحریم ربا تأکید کرده‌اند. در ادبیات حقوقی-بانکی، مسئله از زاویه صحت ضمان عامل در قالب عقد خارج لازم و نظریه شروط تحمیلی نیز مطرح شده است: مرادی و کریمی (۱۳۹۶) گزارش می‌کنند که بانک‌ها برای رفع تردید در صحت شرط ضمان مضارب، آن را در قالب عقد صلح شرط می‌کنند، و نظرپور و ملاکریمی ([سال]) بر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

پایه قاعده استیمان نشان می‌دهند که بانک‌ها با شرط ضمن عقد، ید امانی عامل را به ید ضمانی تبدیل می‌کنند و این کار از نگاه برخی فقها با مقتضای مضاربه سازگار نیست. تمرکز این دو اثر بر مسئولیت مدنی و ماهیت قراردادی شروط است و سنجش ترکیب دو شرط با علل حرمت ربا محور آن‌ها نیست. در ادبیات بانکداری اسلامی نیز چاپرا[1](۱۹۸۵) انحراف از اصل مشارکت در ریسک را بازگشت به رباخواری می‌داند و الگامال[2] (۲۰۰۶) نسبت به بازتولید نتایج معاملات ربوی در قالب عقود اسلامی هشدار می‌دهد.

نوآوری مقاله در سه چیز است. نخست، واحد تحلیل تغییر کرده است: به جای بررسی بطلان مستقل هر شرط، نتیجه حاصل جمع آن دو با ربا سنجیده می‌شود. دوم، علل حرمت ربا از دو روایت مشخص استخراج و به مدلی سه‌مؤلفه‌ای تبدیل شده که در عمل می‌تواند ملاک سنجش قراردادهای دیگر باشد. سوم، وجاهت فقهی تفکیک میان دو شرط بررسی و اشکال‌های مهم وارد بر این تحلیل، یعنی جریان یافتن سرمایه در تجارت، ندرت زیان و نقش بیمه، پاسخ داده شده است.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش‌های فقهی در چارچوب فقه امامیه است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای از منابع روایی (الکافی و وسائل الشیعه)، آرای فقهای متقدم و متأخر و آثار فلسفه احکام و فقه اقتصادی گردآوری شده است. علل حرمت ربا با تحلیل محتوای کیفی روایات استخراج شده، اعتبار روایات با تحلیل سندی بر پایه منابع رجالی سنجیده شده و انطباق علل بر مسئله با روش «تطبیق مفهومی» بررسی شده است.

۱. جواز استناد به علل احکام

آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۳-۳۴) دو دلیل بر جواز بحث از مصالح و مفاسد احکام می‌آورد. دلیل نخست آن است که قرآن و روایات بارها از فلسفه احکام سخن گفته‌اند، چنان‌که شیخ صدوق علل‌الشرایع را تدوین کرده و شیخ حرّ عاملی در وسائل‌الشیعه در ابواب هر موضوع به علل احکام می‌پردازد؛ اگر این بحث جایز نبود، در کتاب و سنت مطرح نمی‌شد. دلیل دوم آن است که اصحاب از معصومان (ع) درباره علل احکام می‌پرسیدند و پاسخ می‌شنیدند و این، تقریر و امضای عملی آن‌هاست. ایشان تصریح می‌کند که این جواز به معنای رهاکردن حکمی که علتش را نمی‌فهمیم نیست.

فایده علم تفصیلی به علل احکام نیز آن است که انگیزه مکلف را برای انجام واجب و ترک حرام تقویت می‌کند، همان‌گونه که آگاهی بیمار از خواص داروی تجویزشده او را به مصرف آن ترغیب می‌کند. از این رو بحث از علل حرمت ربا نه‌تنها جایز، بلکه مفید است و می‌تواند قرینه‌ای برای کشف ملاک حکم در مسائل مستحدثه باشد.

۲. علل تحریم ربا در روایات

در منابع روایی، سه علت اصلی برای حرمت ربا قابل شناسایی است که در ادامه بررسی می‌شود.

---

1 Chapra
2 El-Gamal

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲-۱. اکل مال به باطل

ربا مصداق «اکل مال به باطل» است و قرآن کریم آن را نهی کرده است (نساء: ۲۹). در روایت محمد بن سنان آمده است که امام رضا (ع) در پاسخ به مسائل او نوشتند:
«وَ عِلَّةُ تَحْرِيمِ اَلرِّبَا لِمَا نَهَى اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ وَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ اَلْأَمْوَالِ لِأَنَّ اَلْإِنْسَانَ إِذَا اِشْتَرَى اَلدِّرْهَمَ بِالدِّرْهَمَيْنِ كَانَ ثَمَنُ اَلدِّرْهَمِ دِرْهَماً وَ ثَمَنُ اَلْآخَرِ بَاطِلاً ... فَحَرَّمَ اَللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى اَلْعِبَادِ اَلرِّبَا لِعِلَّةِ فَسَادِ اَلْأَمْوَالِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.: ج ۱۸، ص ۱۲۱، باب ۱ از ابواب ربا، حدیث ۱۱).
مضمون روایت آن است که علت حرمت ربا، فساد اموال است؛ زیرا در برابر درهم دوم عوضی وجود ندارد و ثمن آن باطل است. در بررسی سندی، راویان این روایت، از جمله شیخ صدوق، علی بن محمد ماجیلویه، احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد بن سنان، در منابع رجالی توثیق یا ستایش شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ ق.: ۴۳۹ و ۷۹۲؛ نجاشی، ۱۳۸۱ ق.: ۲۶۱؛ برقی، بی‌تا: ۴۰) و از این رو روایت قابل استناد است.
مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۴) اکل مال به باطل را «درآمد بی‌جهت و بادآورده» و بدون دلیل منطقی و عقلی معنا می‌کند و آن را اصلی کلی در همه ابواب معاملات می‌داند. سیفی (۱۴۳۰ ق.: ۱۷) نیز از همین روایت استفاده می‌کند که درهم زائد هم باطل است (حکم وضعی) و هم ارتکاب آن حرام است (حکم تکلیفی).

۲-۲. ظلم نظام‌مند

علت دوم، ظالمانه بودن ربا است. امام رضا (ع) در ادامه همان روایت به «فساد و ظلم» در ربا اشاره می‌کنند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.: ج ۱۸، ص ۱۲۱) و قرآن نیز نفی ظلم را شرط بازگشت به اصل مال قرار داده است: «فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹). شهید صدر (۱۳۸۵: ۵۷۱) دلیل آشکار تحریم بهره را ستمی می‌داند که دائن بر مدیون روا می‌دارد. مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۶-۳۷) توضیح می‌دهد که در اقتصاد سالم همه فعالان اقتصادی در معرض سود و زیان‌اند و تنها رباخوار است که سود خالص می‌برد و زیان نمی‌بیند؛ این وضع، مفت‌خواری و از عوامل نظام طبقاتی است.

۲-۳. بازدارندگی از فعالیت اقتصادی مولد

علت سوم در روایت هشام بن حکم از امام صادق (ع) آمده است:
«إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلاَلاً لَتَرَكَ النَّاسُ التِّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِتَنْفِرَ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلاَلِ وَ إِلَى التِّجَارَاتِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشِّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق.: ج ۵، ص ۱۴۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.: ج ۱۸، ص ۱۱۹).
مفاد روایت آن است که اگر درآمد بی‌زحمت و بی‌ریسکِ ربا حلال بود، صاحبان سرمایه به جای تجارت‌های پرزحمت و سودمند به آن روی می‌آوردند. راویان سند، از جمله علی بن بابویه، محمد بن ابی عمیر و هشام بن حکم، در منابع رجالی توثیق شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰ ق.: ۲۷۴ و ۳۶۵؛ نجاشی، ۱۳۸۱ ق.: ۴۳۴؛ حلّی، ۱۳۸۱ ق.: ۹۳). مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۵) رباخوار را، به استناد روایت نبوی «ملعون من القی کلّه علی الناس»، سربار جامعه می‌داند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۲-۴. مدل تحلیلی سه‌مؤلفه‌ای

علل سه‌گانه، معیاری برای سنجش انطباق هر شرط یا ترکیب شروط با ماهیت ربا به دست می‌دهد.

جدول ۱: مدل تحلیلی سه‌مؤلفه‌ای علل حرمت ربا

علت	مضمون	شاخص سنجش در یک قرارداد
اکل مال به باطل	درآمد بی‌جهت و بادآورده	دریافت بازده بدون پذیرش ریسک و بدون عوض حقیقی
ظلم نظام‌مند	سود خالص یک طرف و تحمیل تمام ریسک بر طرف دیگر	تمرکز ریسک زیان بر یک طرف و سود تضمین‌شده برای طرف دیگر
بازدارندگی از فعالیت مولد	ترجیح بازده تضمین‌شده بر مشارکت واقعی در تجارت	امکان کسب بازده بدون ورود به ریسک فعالیت اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش، بر پایه روایات محمد بن سنان و هشام بن حکم (کلینی، ۱۴۰۷ ق.؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

۳. تطبیق علل سه‌گانه بر پذیرش توأمان دو شرط

فرض کنید مالک سرمایه‌ای را به عامل می‌دهد و شرط می‌کند که اولاً اصل سرمایه تضمین شود (اگر تجارت زیان کرد، عامل از مال خود جبران کند) و ثانیاً سود معینی (مثلاً ماهانه ۵ درصد) به او تعلق گیرد و اگر سود کمتر بود یا اصلاً حاصل نشد، عامل مابه‌التفاوت را از مال خود بپردازد. مالک در این صورت دو تضمین از عامل گرفته است: تضمین اصل و تضمین سود.

۳-۱. اکل مال به باطل

با شرط ضمان، مالک عملاً سرمایه را قرض داده، نه سرمایه‌گذاری؛ و با شرط ربح، بدون انجام کاری مشخص و بدون پذیرش ریسک زیان، سودی معین می‌گیرد. عامل در هر حال باید اصل و سود را بپردازد. این همان درآمد بی‌جهت و بادآورده‌ای است که در ربای قرضی وجود دارد و به تعبیر مکارم شیرازی (۱۳۸۰: ۳۴) مصداق اکل مال به باطل است.

۳-۲. ظلم

در ربا، ظلم از آنجا برمی‌خیزد که رباخوار تنها کسی است که زیان نمی‌بیند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۶). در مضاربه مشروط نیز عامل با زحمت خود تجارت می‌کند و همه ریسک‌ها بر دوش اوست؛ اگر بازار خراب شود، او باید هم اصل سرمایه و هم سود تضمین‌شده را از مال شخصی بپردازد، در حالی که مالک بی‌نگرانی از نوسان بازار، اصل و سود خود را می‌گیرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

این همان ستمی است که شهید صدر (۱۳۸۵: ۵۷۱) از آن سخن می‌گوید و گسترش آن به فاصله طبقاتی می‌انجامد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۶-۳۷).

۳-۳. بازدارندگی از فعالیت مولد

مطابق روایت هشام، ربا از آن رو حرام شد که صاحبان سرمایه تجارت را رها نکنند. رواج مضاربه‌ای که در آن اصل و سود تضمین شده باشد، همین اثر را دارد: مالک می‌آموزد که به جای ورود به فعالیت پرزحمت و پرریسک، پول خود را در قالب عقدی که نام مضاربه دارد به دیگری بدهد و بازدهی تضمین‌شده بگیرد. انگیزه مشارکت واقعی در تجارت، صنعت و کشاورزی کم می‌شود و سرمایه به سوی معاملاتی سرازیر می‌شود که ریسک ندارد. این اثر در بخش ۴-۳ در برابر اشکال «جریان یافتن سرمایه در تجارت» بیشتر بررسی شده است.

۴-۳. نتیجه تطبیق

هر سه علت بر مضاربه‌ای که دو شرط در آن جمع شده صادق است. در ربا مالک پولی را قرض می‌دهد و اصل و سود تضمین‌شده می‌گیرد؛ در مضاربه مشروط نیز مالک پولی را به عنوان سرمایه‌گذاری می‌دهد اما اصل و سود تضمین‌شده می‌طلبد. در هر دو، مالک بدون کار و ریسک سود می‌برد و عامل همه خطرات را می‌پذیرد. بنابراین از حیث ملاک حرمت، میان آن دو تفاوت جوهری باقی نمی‌ماند و صرف تغییر نام عقد از «قرض» به «مضاربه» جوهر حرام را تغییر نمی‌دهد.

۴. بررسی اشکال‌ها

۴-۱. اشکال قیاس مع الفارق

ممکن است گفته شود ربا در باب قرض محقق می‌شود و مضاربه عقدی مستقل است؛ پس نمی‌توان حکم یک باب را به باب دیگر سرایت داد. پاسخ آن است که اولاً ملاک حرمت و حلیت «ملاکات احکام» است، نه صرف قالب عقود. فقها با تمسک به قاعده «العبرة بالمقاصد و المعانی لا بالألفاظ و المبانی» در موارد متعدد، معاملاتی را که ظاهراً شرایط صحت دارد اما مقصود شرع را نقض می‌کند باطل دانسته‌اند؛ مانند بیع عینه که به دلیل نتیجه ربوی‌اش از سوی بسیاری از فقها حرام شمرده شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۱۶-۱۱۷؛ صدر، ۱۳۸۵: ۵۷۱). ثانیاً از منظر تحلیل اقتصادی حقوق، کارکرد یک نهاد، نه نام آن، ماهیتش را تعیین می‌کند؛ اگر دو ساختار حقوقی خروجی اقتصادی یکسان داشته باشند، اصرار بر تفاوت آن‌ها شکل‌گرایی حقوقی (Legal Formalism) است (برای تحلیل مشابه: El-Gamal, ۲۰۰٦: ٤٦-٥٢). همین منطق درباره قالب‌بندی ضمان در عقدی خارج لازم مانند صلح، که به گزارش مرادی و کریمی (۱۳۹۶) در عمل بانکی رایج است، نیز صادق است: تغییر قالب حقوقی، تخصیص ریسک را تغییر نمی‌دهد.

۴-۲. اشکال تفکیک میان دو شرط

ممکن است فقیهی شرط ضمان را بپذیرد. باید از او پرسید با همان مبنا شرط ربح را می‌پذیرد یا نه. اگر بپذیرد، تفاوتی میان این مضاربه و ربا نمی‌ماند؛ و اگر نپذیرد، باید نشان دهد چه فرق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

جوهری میان دو شرط هست. هر دو شرط ناقض اصل توزیع ریسک‌اند و هر سه علت حرمت ربا را پدید می‌آورند؛ پس پذیرش یکی و رد دیگری با وحدت مبنا و وحدت نتیجه سازگار نیست.

۴-۳. اشکال جریان یافتن سرمایه در تجارت و ندرت زیان

اشکالی که می‌توان طرح کرد این است که با وجود دو شرط، سرمایه همچنان در تجارت صرف می‌شود و شرط دوری از تجارت رخ نمی‌دهد؛ چنین مضاربه‌ای اغلب به نتیجه می‌رسد، زیان سرمایه یا کاهش سود فقط در موارد پیش‌بینی‌ناپذیر رخ می‌دهد و با حساب و کتاب دقیق کم هم می‌شود؛ پس علت سوم صادق نیست. در پاسخ چند نکته قابل ذکر است.

نخست، اگر صرف‌شدن سرمایه در تجارت ملاک می‌بود، ربا نیز در بسیاری از موارد حلال می‌شد؛ زیرا وام‌گیرنده‌ای که وام ربوی می‌گیرد غالباً آن را در تجارت به کار می‌گیرد. جریان سرمایه توسط عامل، خصوصیتی ندارد که ربا را از مضاربه جدا کند. علت سوم ناظر به انگیزه صاحب سرمایه است: «ناس» اگر بتوانند بازده تضمین‌شده بی‌ریسک بگیرند، خود وارد تجارت نمی‌شوند. در مضاربه مشروط نیز مالک از ریسک تجارت کنار می‌ماند و بازده تضمین‌شده می‌گیرد و فقط قالب قرارداد تغییر کرده است. علاوه بر آن، عاملی که همه ریسک را می‌پذیرد و باید سود تضمین‌شده بپردازد، به سمت فعالیت‌های کم‌ریسک یا کوتاه‌مدت سوق می‌یابد و این خود بازدارنده فعالیت مولد است.

دوم، حکم یک شرط بر پایه کارکرد آن در تخصیص ریسک تعیین می‌شود، نه بر پایه فراوانی اجرای آن. شرط ضمان دقیقاً برای فرض زیان و کاهش سود آمده است؛ اگر این فرض ممکن نبود، شرطی لازم نبود. حتی اگر زیان نادر باشد، بار آن در صورت وقوع بر عامل تحمیل می‌شود و این همان تحمیل ریسک است. قرض ربوی نیز اغلب بدون نکول بازپرداخت می‌شود و نادر بودن نکول، آن را حلال نمی‌کند. دقت در حساب و کتاب احتمال زیان را برای هر دو طرف کم می‌کند، اما ریسک بازار، تورم یا حوادث قهری را از میان نمی‌برد؛ و اصل در مضاربه آن است که عامل جز در صورت تعدی و تفریط ضامن نیست (نظرپور و ملاکریمی، [سال]) و این گونه حوادث بر مالک است.

۴-۴. اشکال وجود بیمه

ممکن است گفته شود امروزه بیمه برای حفاظت از سرمایه وجود دارد و بنابراین حفاظت از سرمایه عملاً ممکن و رایج است. پاسخ آن است که بیمه، قراردادی مستقل با نهاد ثالثی است که ریسک را در ازای حق بیمه می‌پذیرد، ریسک را میان بیمه‌گزاران متعدد توزیع می‌کند و هزینه آن را مالک می‌پردازد. به عبارت دیگر، در بیمه، ریسک به طرفی منتقل می‌شود که در برابر پذیرش آن عوض گرفته است. اما در مضاربه مشروط، ریسک به عامل منتقل می‌شود؛ همان کسی که با زحمت خود تجارت می‌کند، و مالک نه هزینه‌ای می‌پردازد و نه ریسکی می‌پذیرد، بلکه سود تضمین‌شده هم می‌گیرد. بنابراین حکم دو مسئله یکی نیست. محل بحث این مقاله تضمین اصل و سود از ناحیه عامل است؛ اگر مالک به هزینه خود، سرمایه را نزد ثالث بیمه کند و این بیمه شرط ضمن مضاربه نباشد، از دایره این بحث خارج است. افزون بر این، وجود بیمه نشان می‌دهد که خطر زیان سرمایه واقعی است و حفاظت از آن هزینه دارد، نه آنکه با حساب دقیق به طور طبیعی از بین برود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش چنین است: ۱) بحث از علل احکام جایز و برای کشف ملاک حکم در مسائل مستحدثه مفید است. ۲) از دو روایت محمد بن سنان و هشام بن حکم، سه علت حرمت ربا استخراج می‌شود: اکل مال به باطل، ظلم نظام‌مند و بازدارندگی از فعالیت مولد. ۳) پذیرش توأمان شرط ضمان و شرط ربح، هر سه علت را در خود جمع می‌کند و از حیث ملاک حرمت، تفاوت جوهری با ربای قرضی باقی نمی‌گذارد. ۴) اشکال‌های جریان سرمایه در تجارت، ندرت زیان و بیمه، نتیجه را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا ملاک، تخصیص ساختاری ریسک است. ۵) تفکیک حکم دو شرط با وحدت مبنا و نتیجه سازگار نیست.

مدل سه‌مؤلفه‌ای این مقاله می‌تواند به عنوان آزمونی فقهی برای ارزیابی قراردادهای نوین مالی به کار رود: قراردادی که در آن اصل و سود برای تأمین‌کننده سرمایه تضمین شده و ریسک به طرف مقابل منتقل شده باشد، صرف‌نظر از نام و قالب آن، با ملاک حرمت ربا مواجه است. این پژوهش به منابع فقه امامیه محدود بوده و قراردادهای جاری نظام بانکی را به‌طور مصداقی بررسی نکرده است؛ بررسی تطبیقی در فقه مذاهب و مطالعه قراردادهای بانکی با این مدل، مسیر پژوهش‌های بعدی است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

منابع

۱. قرآن كريم.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (بی‌تا). رجال البرقی.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعة إلی تحصیل مسائل الشریعة. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۴. حسینی، سید امرالله (۱۳۹۹). چالش تضمین سرمایه در بانکداری اسلامی؛ ملاحظات فقهی، ریشه‌یابی و راه حل. پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی، ۳۰۹-۳۳۴.
۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ ق). تذکرة الفقهاء (ط - الحدیثة). چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۱ ق). رجال العلامة الحلی - خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال. چاپ دوم، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریة.
۷. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸. خوئی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۸ ق). موسوعة الإمام الخوئی (کتاب المضاربه). چاپ اول، قم: مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی.
۹. سیفی، علی اکبر (۱۴۳۰ ق). فقه الربا (دلیل تحریر الوسیلة للإمام الخمینی). چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ ق). مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام. چاپ اول، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
۱۱. صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۵). اقتصادنا. چاپ اول، قم: مکتب الإعلام الإسلامی - فرع خراسان.
۱۲. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ق). ما وراء الفقه. چاپ اول، بیروت: دار الأضواء.
۱۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق). رجال الطوسی.
۱۴. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی (ط - الإسلامیة). چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۵. لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۵ ق). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المضاربة. چاپ اول، قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۶. مرادی، یاسر و کریمی، عباس (۱۳۹۶). مسئولیت بانک‌ها در عقود مشارکتی (مشارکت مدنی و مضاربه). اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲۱ (زمستان).
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). الربا و البنک الاسلامی. چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]

۱۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۸۱ ق). رجال النجاشی.
۱۹. نظرپور، محمدنقی و ملاکریمی، فرشته ([سال]). بررسی قاعده استیمان و کاربردهای آن در قراردادهای بانکی. اقتصاد و بانکداری اسلامی.
20. :Chapra, M. U. (۱۹۸۵). Towards a Just Monetary System. Leicester .The Islamic Foundation
21. El-Gamal, M. A. (۲۰۰۶). Islamic Finance: Law, Economics, and Practice. Cambridge: Cambridge University Press.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-17]